

با پیدایش طالبان و قرارگرفتن جلال آباد در حوزه حکومت طالبان، بن لادن موفق به جلب رضایت ایشان برای ماندن در افغانستان شد و تشکیلات خود در این کشور را گسترش داد (هرچند طالبان سعی در محدود کردن فعالیت‌های بین‌المللی او داشتند)

مجرای تفکری دیگر به ضدیت با شیعه بپردازد، یعنی این دونه لازم‌الجمعند و نه مانعة‌الجمع، هر چند سیره سید قطب وحدت‌گرایانه بود و دعوت از شهید نواب صفوی و همراهی با او نشان‌دهی از سیره وحدت‌گرایانه او است). در هر صورت مباحث قطب پیرامون جاهلیت و حاکمیت در اسلام و... ارتباطی با تکفیر شیعیان و مسائلی از این دست پیدا نمی‌کند. [۷] منوچهر محمدی در کتاب بازتاب جهانی انقلاب اسلامی به این نکته نیز اشاره می‌کند که در منابع مطالعاتی گروه جهاد اسلامی مصر (گروهی که سادات را به هلاکت رساند و خالد اسلامبولی، محمد عبدالسلام فرج و ایمن الظواهری از اعضای آن بودند) کتاب ولایت فقیه یا حکومت اسلامی امام خمینی (ره) و برخی آثار دکتر شریعتی نیز وجود داشته است. [۸] ظواهری همچنین عملکرد القاعده عراق و داعش در کشتار شیعیان را محکوم کرده و آن را حرام شرعی دانسته بود. [۹] الظواهری احتمالاً اولین کسی از بین چهره‌های سرشناس جهان عرب بود که از اوژه خوارج برای توصیف داعش استفاده کرد. شاخه‌های مختلف القاعده در نقاط مختلف جهان نیز ادبیاتی متفاوت از ادبیات تکفیری داعش داشتند (بجز جریان زرقاوی و تعداد کمی دیگر که بیشتر مورد اشاره قرار گرفت مورد نقد بن لادن و الظواهری بودند)، در این رابطه شایسته است که به بیانیه جماعت اسلامی مقاتله لیبی (شاخه القاعده) به عنوان یک نمونه توجه کنیم و آن را با ادبیات یکسره ضد شیعی و تکفیری داعش مقایسه کنیم.



جماعت اسلامی مقاتله در اولین بیانیه خود می‌گوید:
«... و سلامی پر از برادری، محبت، نصرت و دوستی تقدیم به تمام طیف‌های مجاهدی که دفاع از دین اسلام و مستضعفین را در هر گوشه‌ای از جهان اسلام

برپا کرده‌اند تا مجد و عزت را به امت بازگردانند و آنان را از چنگال کسانی که کرامت آنان را از بین برده و مقدساتشان را به حراج گذاشته‌اند، رهایی دهند...» [۱۰]

اما باید به این نکته مهم نیز توجه داشت که در سال‌های پس از حمله آمریکا به عراق و افغانستان و خصوصاً در مسأله سوریه، ادبیات ظواهری نسبت به ایران غیردوستانه شد و خصوصاً از عملکرد رسانه‌های ایران صریحاً گله کرد و با وجود این در دام ادبیات تکفیری نیفتاد. در خصوص مفهوم دشمن نزدیک و دور نیز برخلاف برخی اقوال رایج وی قائل به قلمداد کردن شیعه به عنوان دشمن نزدیک نبود بلکه حکومت‌های فاسد مانند مبارک را دشمن نزدیک دانسته بود و در یکی از جملات معروف خود خطاب به مبارزان مصری که از ایجاد انقلاب در مصر ناامید شده بودند، گفته بود: «راه قدس از قاهره می‌گذرد.» [۱۱] وقایعی مانند سرکوب خشونت‌بار نهضت اسلامی الجزایر (جبهه اسلامی نجات) پس از پیروزی اسلامگرایان در انتخابات توسط ارتش‌های فرانسه و الجزایر ظواهری را بر این عقیده راسخ کرده بود که راه دستیابی به حکومت اسلامی تنها از لوله تفنگ می‌گذرد و فعالیت‌های مدنی و انتخاباتی توسط ارتش‌های غربی و غرب‌گرا سرکوب خواهند شد، با وجود این در نقد خود نسبت به حماس که طی نامه‌ای به رهبران حماس آن را اعلام کرده بود، حضور در انتخابات را به کلی رد نکرده، بلکه لازمه حضور در انتخابات را وجود یک قانون اساسی اسلامی می‌داند. همچنین